

مقاله پژوهشی:

بحران مالی و تجدید ارائه صورت‌های مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

زهره عارف‌منش*

محمدحسین قدیریان آرانی**

زهره قدیریان آرانی***

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین بحران مالی و تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا، داده‌های ۱۰۷ شرکت غیر مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین بحران مالی و اندازه‌گیری خطر ورشکستگی از الگوی امتیازدهی بازار نوظهور (امتیاز "Z آلتمن") استفاده شد. به‌منظور دستیابی به هدف اصلی پژوهش دو فرضیه تدوین و از آزمون مقایسه میانگین و رگرسیون خطی چند متغیره با روش داده‌های ترکیبی برای آزمون آن‌ها به‌کار گرفته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین شدت تجدید ارائه در شرکت‌های بحران‌زده و شرکت‌های سالم تفاوت معناداری وجود ندارد. باوجود این، خطر ورشکستگی به‌گونه‌ای مثبت و معنادار با شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه دارد. به بیان دیگر، با افزایش خطر ورشکستگی، شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: الگوی امتیازدهی بازار نوظهور، بورس اوراق بهادار تهران، بحران مالی، تجدید ارائه

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه یزد، گروه حسابداری، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Arefmanesh@yazd.ac.ir

** استادیار گروه حسابداری، دانشکده شهید شمس‌پور، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران

مقدمه

بنگاه‌های اقتصادی در طول عمر عملیاتی خود فراز و نشیب‌هایی را تجربه می‌کنند. شرکت‌هایی که دچار بحران مالی می‌شوند، به هر روش ممکن سعی در خروج از این وضعیت و بهبود اوضاع مالی خود دارند. در صورت عدم دستیابی به این هدف، ورشکستگی عاقبتی است که در انتظار آن‌هاست (پلات و پلات، ۲۰۰۶؛ و العطار و همکاران، ۲۰۰۸). دستکاری سود یکی از راه‌های احتمالی است که شرکت‌های بحران زده مالی ممکن است برای مخفی کردن عملکرد ضعیف خود و به تأخیر انداختن ورشکستگی از آن استفاده کنند (راوزنر، ۲۰۰۳). بر اساس فرض قراردادهای بدهی نظریه اثباتی نیز شرکت‌های درمانده که به نقض قراردادهای بدهی نزدیک می‌شوند، برای گرفتار نشدن در محدودیت‌های ناشی از این قراردادها روش‌های حسابداری افزایش سود را به کار خواهند گرفت (فلانگان و همکاران، ۲۰۰۸). هم‌چنین، ممکن است مدیران شرکت‌های بحران زده به منظور ارائه علامت‌هایی از تمایل خود برای رسیدگی کردن به مشکلات مالی شرکت (دی‌آنجلو و همکاران، ۱۹۹۴)، گرفتن امتیازاتی از اتحادیه‌های کارگری و یا به دست آوردن یارانه‌های دولتی (گارسپالارا و همکاران، ۲۰۰۹) مشکلات مالی شرکت را بیشتر نشان دهند. بنابراین، در این مورد دیدگاه واحدی وجود ندارد که بحران مالی به بیش‌نمایی یا کم‌نمایی سود منجر می‌شود؛ با این وجود واضح است که هر یک از این دو حالت (کم‌نمایی یا بیش‌نمایی سود) کاهش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی شرکت‌های درمانده را به دنبال دارد. قابلیت اتکا و مربوط بودن، مهم‌ترین ویژگی‌های کیفی هستند که منجر به سودمند بودن اطلاعات می‌شوند. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری بر قابلیت اتکای گزارش‌های مالی تأکید ویژه دارند (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، در سال‌های اخیر موارد تجدید ارائه صورت‌های مالی توسط شرکت‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داشته است (ثقفی و همکاران، ۱۳۹۰؛ و نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۱). افزایش موارد تجدید ارائه، بیانگر نادرست یا غیرقابل اتکا بودن صورت‌های مالی منتشر شده دوره یا دوره‌های قبل است. به عبارتی، تجدید ارائه صورت‌های مالی نشانه‌ای از پایین بودن کیفیت اطلاعات ارائه شده است به‌طوری که در پژوهش‌های پیشین به‌عنوان

معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری به کار گرفته شده است (دیچاو و همکاران، ۲۰۱۰).

قابل اتکا نبودن اطلاعات از دو راه باعث زیان استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. نخست، در صورت درست نبودن اطلاعات باید پس از مدتی در آن‌ها تجدید نظر شود، چنین وضعیتی باعث می‌شود بر محاسباتی که سرمایه‌گذار برای تصمیم‌گیری کنونی انجام می‌دهد اثر معکوس بگذارد. دوم، چنانچه مدیریت اقدام به ارائه اطلاعات ساختگی در صورت‌های مالی کند این اطلاعات بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران نیز اثر معکوس خواهد گذاشت (اسکات، ۲۰۰۳). بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا در بورس اوراق بهادار تهران بحران مالی و خطر ورشکستگی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌عنوان معیار معکوسی از کیفیت اطلاعات حسابداری، اثرگذار است؟ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر، علاوه بر مقایسه شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی میان شرکت‌های سالم و بحران زده، بررسی رابطه خطر ورشکستگی با شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

مبانی نظری پژوهش

بحران مالی

هنگامی که کاهش قدرت سودآوری شرکتی، احتمال ناتوانایی پرداخت اصل بدهی و هزینه‌های مالی اهمیت آن را افزایش می‌دهد؛ آن شرکت به بحران مالی دچار شده است (گوردن، ۱۹۷۱). به جز موارد ورشکستگی ناشی از وقوع رویدادهای ناگهانی و غیر منتظره مانند حوادث طبیعی، بحران مالی بر ورشکستگی مقدم است. (پلات و پلات، ۲۰۰۶). اگرچه درماندگی یا بحران مالی و ورشکستگی رابطه تنگاتنگی دارند، اما با یکدیگر متفاوتند.

تاکنون به منظور طبقه‌بندی مشکلات اقتصادی تعاریف متعددی از شرکت‌های ناموفق ارائه شده است. به‌طور خلاصه، چهار اصطلاح شکست یا واماندگی، ناتوانی در پرداخت بدهی، نکول (قصور) و ورشکستگی در پیشینه مربوط به بحران مالی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (آلمن و هاتچ‌کیس، ۲۰۰۶). ورشکستگی شرکت‌ها یکی از

دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت‌هاست، به گونه‌ای که چنانچه بتوان شرکت‌هایی که در معرض خطر ورشکستگی قرار دارند را به موقع شناسایی کرد، می‌توان از زیان احتمالی ذینفعان تا حد زیادی پیش‌گیری کرد (مشایخی و گنجی ۱۳۹۳). اندرید و کپلن (۱۹۹۸) شرکت‌هایی را درمانده تلقی می‌کنند که یکی از رویدادهای زیر در مورد آن‌ها رخ داده باشد:

۱. بیشتر بودن هزینه بهره از سود پیش از مالیات، هزینه‌های مالی و استهلاک؛
۲. اعلام تجدید ساختار بدهی به علت ناتوانی در تعهدات مربوط به آن؛
۳. قصور در پرداخت بدهی؛ و
۴. ورشکستگی شرکت.

تجدید ارائه صورت‌های مالی

بر اساس بند ۳۸ استاندارد حسابداری شماره ۱ چنانچه بکارگیری رویه حسابداری با تسری به گذشته، تجدید ارائه با تسری به گذشته یا تجدید طبقه‌بندی، اثر بااهمیتی بر اطلاعات مندرج در صورت وضعیت مالی در ابتدای دوره قبل، داشته باشد، واحد تجاری باید علاوه بر حداقل صورتهای مالی مقایسه‌ای مقرر در بند ۳۷، سومین صورت وضعیت مالی را به تاریخ ابتدای دوره قبل ارائه کند. همچنین بر اساس بند ۴۲ استاندارد مزبور، در مواردی که نحوه ارائه یا طبقه‌بندی اقلام در صورت‌های مالی اصلاح می‌شود، برای اطمینان از قابلیت مقایسه اقلام صورت‌های مالی، مبلغ مقایسه‌ای باید تجدید طبقه‌بندی شود مگر این‌که این امر امکان‌پذیر نباشد. همچنین، ماهیت، مبلغ و دلیل تجدید طبقه‌بندی باید افشا شود. افزون بر این، بر اساس بند ۲۱ استاندارد حسابداری شماره ۳۴ هنگامی که تغییر در رویه حسابداری، با تسری به گذشته بکار گرفته می‌شود، واحد تجاری باید مانده ابتدای دوره هر جزء حقوق مالکانه را که تحت تأثیر قرار گرفته است، برای نخستین دوره قبلی ارائه شده و سایر مبالغ مقایسه‌ای افشاشده برای هر یک از دوره‌های قبل را تعدیل کند (ارائه مجدد کند) به گونه‌ای که گویی رویه حسابداری جدید همواره بکار گرفته شده است (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۷). همچنین، تجدید ارائه سود و سایر اطلاعات مالی سال‌های گذشته شرکت‌ها به دلیل اشتباه‌های ناشی از محاسبات ریاضی، اشتباه‌های استفاده از رویه‌های حسابداری و نادیده گرفتن یا تعبیر نادرست واقعیت‌های موجود در

زمان تهیه صورت‌های مالی ضرورت پیدا می‌کند (لو، ۲۰۰۳). بر اساس گزارش گروه مشاوره هورن مشکلات در به‌کارگیری قواعد حسابداری، خطاهای انسانی و سیستمی و رفتارهای متقلبانانه اصلی‌ترین دلایل اشتباهات حسابداری است (نقل از عبدالله و همکاران، ۲۰۱۰). انگیزه‌های تجدید ارائه هدفمند صورت‌های مالی نیز به سه دسته تقسیم می‌شود: گروه نخست، انگیزه شرکت‌هایی است که مشکل کم بودن سودآوری و نقدینگی دارند. این شرکت‌ها تمایل بیشتری دارند تا با ارتکاب اشتباهات عمدی و انجام اقدامات متقلبانانه، نتایج مالی خود را بهتر نشان دهند. گروه دوم، انگیزه شرکت‌هایی است که تمایل دارند برای برآورده ساختن انتظارات و پیش‌بینی‌های بازار متوسل به تقلب یا انجام اشتباه‌های عمدی شوند. گروه سوم، انگیزه ناشی از برخی قراردادهای همچون قراردادهای پاداش وابسته به ارزش سهام و عملکرد شرکت است (پالمرس و شولز، ۲۰۰۴). فلانگان و همکاران (۲۰۰۸) نیز تمایل مدیریت به حفظ کردن یا به دست آوردن تأمین مالی مطلوب را به‌عنوان یکی از محرک‌های خطاهای حسابداری و تجدید ارائه صورت‌های مالی معرفی می‌کنند. البته، اگرچه وجود تجدید ارائه صورت‌های مالی همواره نشانه وجود تقلب نیست و در طیفی از اصلاح اشتباه‌های سهوی تا گزارش‌گری مالی متقلبانانه جای می‌گیرد، اما به‌سادگی می‌تواند سرپوشی برای رفتارهای متقلبانانه مدیریت باشد (حساس‌یگانه و تقی‌زاده، ۱۳۹۲).

تجدید ارائه صورت‌های مالی و بحران مالی

شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند با احتمال بیشتری اقدام به دستکاری سود و انجام اشتباهات به ضرر استفاده‌کنندگان می‌کنند (پالمرس و شولز، ۲۰۰۴). چرا که مدیران نمی‌خواهند از شرایط قراردادهای بدهی تخطی کنند (کارسلو و پالمرس، ۱۹۹۴). به بیان دیگر هنگامی که شرکتی در شرایط بحران مالی قرار دارد و با خطر شکستن (نقض) قراردادهای بدهی مواجه است مدیران با احتمال بیشتری ممکن است به دستکاری سود اقدام کنند و در نهایت (سال‌های آتی) مجبور به تجدید ارائه شوند (فلانگان و همکاران، ۲۰۰۸). از آن‌جا که تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان سرپوشی برای رفتارهای متقلبانانه مدیریت مورد استفاده قرار گیرد، به اعتقاد ابوت (۲۰۰۴) احتمال دارد وضعیت مالی ضعیف سبب شود که مدیریت در سال یا سال‌های آتی صورت‌های مالی را تجدید ارائه کند (ابوت، ۲۰۰۴).

فلانگان و همکاران (۲۰۰۸) نیز تمایل مدیریت به حفظ کردن یا به دست آوردن تأمین مالی مطلوب را به عنوان یکی از محرک‌های خطاهای حسابداری و تجدید ارائه صورت‌های مالی معرفی می‌کنند. البته، وجود تجدید ارائه صورت‌های مالی همواره نشانه تقلب نیست و در طیفی از اصلاح اشتباهات سهوی تا گزارش‌گری متقلبانه جای می‌گیرد اما به سادگی می‌تواند به عنوان سرپوشی برای رفتارهای متقلبانه مدیریت به کار رود (حساس‌یگانه و تقی‌زاده، ۱۳۹۲).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

حاجی‌ها و سیری (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ورشکسته به منظور حفظ خود در بازار سرمایه، در مراحل پنهان ورشکستگی در سطح سود ناویژه، سود عملیاتی و سود خالص اقدام به هموارسازی واقعی و ساختگی می‌کنند. یافته‌های پژوهش جبارزاده‌کنگرلوئی و همکاران (۱۳۸۸) حاکی از آن است که مدیران واحدهای تجاری در مراحل مختلف بحران مالی، برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی و عملکردشان و حفظ خود در بازار سرمایه دست به هموارسازی سود می‌زنند. نتایج پژوهش خواجهی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که کیفیت گزارش‌گری مالی در شرکت‌های غیردرمانده مالی در مقایسه با شرکت‌های درمانده مالی پایین‌تر و از پایداری کم‌تری برخوردار است. نتایج پژوهش دستگیر و همکاران (۱۳۹۱) بیانگر این است که شرکت‌های درمانده مالی سودهای خود را سه سال قبل از ورشکستگی به شکل افزایشی مدیریت می‌کنند. همچنین، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که محافظه‌کای مشروط در شرکت‌های درمانده بیشتر از شرکت‌های سالم است و در نتیجه، از این منظر کیفیت سود در شرکت‌های درمانده بالاتر از شرکت‌های غیردرمانده مالی است. جبارزاده‌کنگرلوئی و خدایاریگانه (۱۳۹۱) نشان دادند که درماندگی مالی در سه سطح نهفتگی، کسری وجه نقد و عدم قدرت پرداخت دیون مالی و تجاری (ناحیه درماندگی مالی) و درماندگی مالی کامل اثر معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی شرکت‌های درمانده مالی فعال در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که کیفیت سود به طور قابل توجهی از دوره تحریف تا دوره بعد از تجدید ارائه بهبود یافته است.

یافته‌های پژوهش ولی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که شرکت‌های دارای بحران مالی در مدت چهار سال قبل از شمول ماده ۱۴۱، با شیوه‌های دستکاری ارقام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی به نسبت سایر شرکت‌ها به میزان بیشتری به مدیریت سود پرداخته‌اند. اما کیفیت سود اندازه‌گیری شده با معیار محافظه‌کاری مشروط در هر دو گروه یکسان بوده و تفاوتی ندارد.

احمدپور و شهسواری (۱۳۹۳) نشان دادند که مدیران شرکت‌ها در مراحل مختلف درماندگی مالی برای بهتر نشان دادن وضعیت مالی، از طریق ارقام تعهدی اختیاری اقدام به دستکاری کاهشی سود حسابداری می‌کنند. همچنین، با افزایش احتمال درماندگی مالی میزان دستکاری سود حسابداری به وسیله مدیران افزایش می‌یابد.

شواهد پژوهش تاتلی و کردستانی (۱۳۹۳) حاکی از آن است که مدیریت سود در گروه شرکت‌های ورشکسته، درمانده و سالم، بیشتر گرایش به فرصت‌طلبانه بودن دارد. از سوی دیگر، کیفیت سود در شرکت‌های سالم، بالاتر از شرکت‌های درمانده و ورشکسته است.

کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ورشکسته دارای پایین‌ترین سطح کیفیت سود و شرکت‌های سالم دارای بالاترین سطح کیفیت سود هستند. همچنین، شرکت‌های درمانده مالی و ورشکسته نیز بیشتر از شرکت‌های سالم، سود خود را دستکاری کرده‌اند.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی اثر تعدیل‌گر کیفیت سود در پیش‌بینی درماندگی مالی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که استفاده از کیفیت سود در پیش‌بینی درماندگی مالی به طور معناداری دقت پیش‌بینی درماندگی مالی را افزایش می‌دهد. همچنین از بین مدل‌های مختلف پیش‌بینی درماندگی مالی از جمله آلتمن، اولسون، بهارات و شاموی؛ مدل آلتمن دقت بیشتری در پیش‌بینی درماندگی مالی دارد.

نتایج پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) حاکی از آن است که بحران مالی اثر منفی و معناداری بر هموارسازی سود، ارتباط ارزشی سود و محافظه‌کاری شرطی دارد، اما ارتباط معناداری بین بحران مالی و محافظه‌کاری غیرشرطی یافت نشد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های درمانده در مقایسه

با شرکت‌های سالم، از کیفیت سود پایین تری برخوردارند. همچنین با افزایش شاخص‌های کیفیت سود، احتمال مواجهه با درماندگی مالی کاهش یافته و افزودن شاخص‌های کیفیت سود به مدل اولیه مبتنی بر شاخص‌های مالی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن را افزایش می‌دهد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از اطلاعات ۷۳ شرکت و با تحلیل لاجیت، نقش حسابرس در تجدیدارائه صورت‌های مالی سال قبل شرکت‌ها بررسی کردند. برای این منظور، از چهار ویژگی اندازه حسابرس، حق‌الزحمه حسابرس، تخصص صنعتی حسابرس و دوره تصدی حسابرس استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد افزایش تعداد شرکای مؤسسات حسابرسی و حق‌الزحمه آن‌ها، احتمال تجدیدارائه صورت‌های مالی سال قبل را به ترتیب افزایش و کاهش می‌دهد؛ همچنین تأثیر مثبت دوره تصدی حسابرس با احتیاط پذیرفته شده، اما تأثیر تخصص صنعتی حسابرس بر احتمال تجدیدارائه صورت‌های مالی سال قبل تأیید نمی‌شود. تجزیه و تحلیل اثرنهایی متغیرهای پژوهش نیز تأثیر متغیرهای یادشده بر احتمال تجدیدارائه صورت‌های مالی سال قبل را تأیید می‌نماید.

لطیفی و جان‌شاد (۱۳۹۸) تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد در حالی که، مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی کاهش و در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد.

ثقفی و فامیان (۱۳۹۸) افزون بر بررسی تأثیر توانایی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی، تأثیر درماندگی مالی بر اثر توانایی مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی نیز بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد توانایی مدیران تأثیر منفی و معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی می‌گذارد و همچنین برخلاف انتظار، درماندگی مالی شرکت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده، رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و توانایی مدیران را تعدیل نمی‌کند.

پیشینه خارجی

اسمیت و همکاران (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های ورشکسته از تغییرات حسابداری برای متورم کردن سود در سال پیش از ورشکستگی استفاده نمی‌کنند. راوزنر (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که شرکت‌های درمانده از پنج سال قبل از ورشکستگی به‌طور پیوسته اقدام به مدیریت سود افزایشی می‌کنند. هم‌چنین، شرکت‌هایی که در سال پیش از ورشکستگی به دلیل معکوس شدن ارقام تعهدی سال‌های قبل روند کاهش درآمد داشته‌اند، گزارش‌های حسابرسی عدم تداوم فعالیت دریافت کرده‌اند.

چاریتو و همکاران (۲۰۰۷a) نشان دادند که مدیران شرکت‌های با احتمال ورشکستگی بالا، در دوران ورشکستگی درآمدهای رو به پایین خود را جابه‌جا می‌کنند. نتایج پژوهش چاریتو و همکاران (۲۰۰۷b) نشان‌دهنده رفتار مدیریت سود شرکت‌های ورشکسته در سال پیش از ورشکستگی است.

نتایج پژوهش عبدالله و همکاران (۲۰۱۰) حاکی از آن است که متورم کردن سود دلیل اصلی ارائه اشتباه حساب‌ها می‌باشد. هم‌چنین، میزان تمرکز مالکیت و استقلال کمیته حسابرسی، شرکت‌ها را از اشتباه ارائه کردن حساب‌ها باز می‌دارد و بدر نتیجه احتمال تجدید ارائه در آینده کاهش می‌یابد؛ اما با زیاد شدن میزان بدهی، احتمال ارائه اشتباه نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، بین Z آلتمن و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه‌ای منفی و در نتیجه بین خطر ورشکستگی و تجدید ارائه رابطه‌ای مثبت وجود دارد.

چاریتو و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که شرکت‌های درمانده نسبت به شرکت‌های سالم به تعداد دفعات بیشتری اقدام به مدیریت سود افزایشی می‌کنند. هم‌چنین، شرکت‌های درمانده اخبار بد را دیرتر و اخبار خوب را زودتر در گزارش‌های مالی خود منعکس می‌کنند.

نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که مدیریت سود در شرکت‌های ورشکسته از نوع فرصت‌طلبانه است و مدیریت سود در شرکت‌های سالم بیشتر از شرکت‌های بحران زده به کارایی گرایش دارد. هم‌چنین، کیفیت سود شرکت‌های سالم بالاتر از سطح کیفیت سود در شرکت‌های ورشکسته است.

نتایج پژوهش اوتا (۲۰۱۱) نشان داد که درماندگی مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت و خطاهای پیش‌بینی‌های قبلی مدیریت بر سوگیری مدیریت در پیش‌بینی‌ها تأثیرگذار

است.

ک (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی نقش کیفیت سود در پیش‌بینی درماندگی مالی پرداخت. نتایج پژوهش وی حاکی از این است که بین کیفیت سود و درماندگی مالی رابطه‌ای منفی برقرار است. همچنین، افزودن کیفیت سود به الگوهای پیش‌بینی درماندگی مالی توانایی پیش‌بینی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

نتایج پژوهش رز-گرین و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از آن است که شرکت‌های درمانده که سرانجام اعلام ورشکستگی کرده و منحل می‌شوند در سال پیش از ورشکستگی ارقام تعهدی اختیاری بیشتری استفاده می‌کنند.

لی و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین کیفیت سود شرکت‌های سالم، درمانده و ورشکسته وجود ندارد.

بیسونگو و لوکا (۲۰۱۵) با انجام پژوهشی رابطه بحران مالی و دستکاری سود را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌های بحران‌زده به‌منظور بهتر نشان دادن عملکرد مالی خود، اقدام به دستکاری صورت‌های مالی می‌کنند.

هوانگ‌سی و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که به‌کارگیری هموارسازی سود عملکرد مدل‌های پیش‌بینی بحران مالی را بهبود می‌بخشد.

گول و همکاران (۲۰۱۸) تاثیر توانایی مدیران بر حق الزحمه حسابرسی و همچنین تاثیر توانایی مدیران بر کیفیت ارقام تعهدی و تجدید رانه صورتهای مالی در شرکتهای بحران زده و غیر بحران زده را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که در شرکت‌های بحران زده، هرچه توانایی مدیران بیشتر باشد، حق‌الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد و در شرکت‌های غیر بحران‌زده، هرچه توانایی مدیران بیشتر باشد، حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج حاکی از این است که در شرکت‌های بحران‌زده، توانایی بیشتر مدیران با کیفیت پایین ارقام تعهدی و در نتیجه احتمال بیشتر تجدید ارائه صورتهای مالی همراه است.

با تسکا (۲۰۱۹) اثر تعدیل‌کننده تمایل سرمایه‌گذاران بر رابطه بین تجدید ارائه سود و ارزش‌گذاری بورس اوراق بهادار نیویورک را مورد بررسی قرار داد. نتایج بیانگر این است که در دوره‌هایی که تمایل سرمایه‌گذار بیشتر است رابطه منفی بین تجدید ارائه سود و واکنش بازار وجود دارد. بعبارت دیگر هرچه تجدید ارائه سود کمتر باشد، قیمت‌گذاری سهام شرکت توسط بازار بیشتر است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پیشینه پژوهش انتظار می‌رود شرکت‌های بحران‌زده کیفیت اطلاعات پایین‌تری داشته باشند و در سال‌های آتی با احتمال بیشتری اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی خود کنند. از آنجایی که در ایران بیشتر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های متمادی اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی خود می‌کنند، شدت تجدید ارائه در مقایسه با وقوع تجدید ارائه، نشانه قوی‌تری از ضعف کیفیت اطلاعات گزارش شده می‌باشد (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۴). در نتیجه با در نظر گرفتن مبانی نظری مطرح شده، در پژوهش حاضر ضمن مقایسه شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی میان شرکت‌های سالم و بحران زده، رابطه خطر ورشکستگی با شدت تجدید ارائه بررسی می‌شود. بنابراین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه ۱: شدت تجدید ارائه در شرکت‌های بحران زده مالی به طور معنی‌داری بیشتر از شرکت‌های سالم است.

فرضیه ۲: بین خطر ورشکستگی و شدت تجدید ارائه رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که در آن از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده شده است. با توجه به این‌که بررسی‌های لازم پس از وقوع رویدادها انجام گرفته و امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد، پژوهش حاضر پژوهشی پس‌رویدادی است. همچنین، این مطالعه از لحاظ هدف نمونه‌ای از پژوهش‌های کاربردی است و نتایج آن می‌تواند توسط سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران مالی و سازمان‌های مقررات‌گذار و تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری مورد استفاده قرار گیرد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین، بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها گردآوری شده است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و Eviews نسخه ۹ تجزیه و تحلیل شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. با توجه به وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضای جامعه، نمونه مورد بررسی بر اساس شرایط زیر انتخاب شده است:

۱. به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود و تغییر سال مالی انجام نشده باشد.

۳. با توجه به دوره‌ی زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۵-۱۳۸۹)، شرکت پیش از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۵ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد؛

۴. داده‌های مالی مورد نیاز برای اندازه‌گیری متغیرها در دسترس باشد.

۵. به دلیل قابل تفکیک نبودن فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها)، همچنین متفاوت بودن ماهیت فعالیت‌های آنها، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند.

شایان ذکر است اگرچه قلمرو زمانی این پژوهش محدود به دوره ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ است اما برای داده‌های مربوط به تجدید ارائه سال ۱۳۹۵، از صورت‌های مالی سال ۱۳۹۶ استخراج شده است. از این رو، محدودیت دوم به صورت بالا بیان شده است. با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های بالا، ۱۰۷ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ برای بررسی انتخاب شد.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

متغیر مستقل در فرضیه اول بحران مالی و در فرضیه دوم خطر ورشکستگی است. آلتمن (۱۹۶۸) نخستین فردی بود که الگوهای پیش‌بینی چند متغیره را عرضه کرد. وی با به‌کارگیری روش تحلیل تمایزی چندگانه و استفاده از نسبت‌های مالی به عنوان متغیرهای مستقل به دنبال پیش‌بینی ورشکستگی بنگاه‌ها بود. وی الگوی معروف خود را تحت عنوان الگوی امتیاز Z ، ارائه داد که در پیش‌بینی ورشکستگی معروف است.

پس از آن انتقاداتی همچون قابلیت کاربردی انحصاری این الگو برای مؤسسات عمومی مطرح شد که آلتمن برای رفع آن‌ها، موفق به رفع اشکال‌های الگوی اولیه شد و الگوی دیگری با نام امتیاز 'Z' ارائه کرد. الگوی امتیاز Z آلتمن بار دیگر با هدف کاهش اثر بالقوه صنعت بر الگو تعدیل شد. این بار نسبت گردش دارایی‌ها به‌عنوان متغیر تأثیرپذیر از صنعت حذف و الگوی جدیدی با نام امتیاز "Z" ارائه شد که به شرح زیر است:

$$EM \text{ Score} = Z = 3.25 + 6.56X_1 + 3.26X_2 + 6.72X_3 + 1.05X_4 \quad (1)$$

"Z": امتیاز کلی، X_1 : نسبت سرمایه در گردش به دارایی‌ها، X_2 : نسبت سود انباشته به دارایی‌ها، X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به دارایی‌ها، X_4 : نسبت حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها. شایان ذکر است در این الگو مازاد تجدید ارزیابی و اندوخته‌ها به سود انباشته اضافه می‌شوند (آلتمن، ۲۰۰۵؛ و آلتمن و هاتچ‌کیس، ۲۰۰۶). همچنین، سرمایه در گردش برابر است با دارایی‌های جاری منهای بدهی‌های جاری.

با توجه به دقت بالای الگوی امتیاز "Z" آلتمن برای بازارهای نوظهور در پژوهش حاضر از این الگو برای مشخص کردن بحران مالی و خطر ورشکستگی شرکت‌ها استفاده شد. امتیاز "Z" به عنوان سنج معکوسی از خطر ورشکستگی است و کم‌تر بودن میزان آن از $4/35$ نشانگر بحران مالی است. به عبارت دیگر چنانچه "Z" کمتر از $4/35$ باشد عدد ۱ و در غیر این صورت ارزش صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

متغیر وابسته

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده، شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی متغیر وابسته پژوهش حاضر می‌باشد. در این پژوهش همچون پژوهش‌های خواجه‌وی و همکاران (۱۳۹۴) و ناظمی‌اردکانی و همکاران (۱۳۹۵) شدت تجدید ارائه، به‌وسیله میزان تجدید ارائه سود خالص محاسبه شده است.

$$RESM = \frac{|RESNI_{i,t} - NI_{i,t}|}{TA_{i,t}} \quad (2)$$

RESM: شدت تجدید ارائه سود؛ RESNI: سود خالص تجدید ارائه شده؛ NI: سود خالص گزارش شده اولیه؛ TA: کل دارایی‌ها.

متغیرهای کنترلی

برای کنترل سایر متغیرهایی که ممکن است بر متغیر وابسته اثرگذار باشند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به مرور پژوهش‌های پیشین به شرح زیر تعیین شد:

نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که اندازه شرکت (از جمله موسس، ۱۹۸۷؛ لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ و دسای و همکاران، ۲۰۰۶)، اهرم مالی (از جمله لین و همکاران، ۲۰۰۴؛ دسای و همکاران، ۲۰۰۶؛ عبدالله و همکاران، ۲۰۱۰؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰؛ خواجوی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۴؛ و خواجوی و همکاران، ۱۳۹۴) و سودآوری (همچون دسای و همکاران، ۲۰۰۶؛ نیکبخت و رفیعی، ۱۳۹۰؛ خواجوی و همکاران، ۱۳۹۴؛ مرادی و قدیریان‌آرانی، ۱۳۹۶) از مهم‌ترین سازه‌های اثرگذار بر تجدید ارائه صورت‌های مالی هستند. از این رو، در پژوهش حاضر، اندازه شرکت، اهرم مالی و سودآوری به‌عنوان متغیرهای کنترلی مد نظر قرار گرفت. اندازه شرکت همچون پژوهش‌های صفری گرایلی و بالارستاقی (۱۳۹۴) و خواجوی و همکاران (۱۳۹۴) از طریق لگاریتم طبیعی فروش، اهرم مالی همچون پژوهش‌های مهرانی و همکاران (۱۳۹۲) و صفری گرایلی و بالارستاقی (۱۳۹۴) از طریق نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها و سودآوری همچون پژوهش بنی‌مهد (۱۳۹۱) از طریق نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها محاسبه شد.

الگوهای آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه اول با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل موجود و همچنین با استناد به قضیه حد مرکزی، از آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین دو جامعه سالم و بحران‌زده استفاده شده است. همچنین الگوی رگرسیونی زیر به‌منظور آزمون فرضیه دوم تخمین زده شده است:

$$ROA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RESM_{i,t} + \beta_2 EM\ Score_{i,t} + \beta_3 SIZ_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

RESM: شدت تجدید ارائه؛ EM Score: خطر ورشکستگی؛ SIZ: اندازه شرکت؛ LEV: اهرم مالی؛ ROA: سودآوری.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرها طی دوره پژوهش به تفکیک شرکت‌های سالم و بحران‌زده

متغیر	میانگین		حداکثر		حداقل		انحراف معیار		تعداد
	بحران‌زده	سالم	بحران‌زده	سالم	بحران‌زده	سالم	بحران‌زده	سالم	
شدت تجدید ارائه	۰/۰۱۷۲۲	۰/۰۲۰۳۷	۰/۷۱۱۴	۰/۹۰۹۸	۰	۰	۰/۰۷۲۲	۱/۰۵۴	۵۲۱
خطر ورشکستگی	۷/۴۸۵	۲/۰۱۶۸۵	۲۰/۰۷۰۷	۴/۳۴۸۱	-۱۷/۳۱۱۷	۴/۳۶۲۹	۲/۰۷۳۲	۲/۲۲۶ ۳	۵۲۱
اندازه شرکت	۱۳/۵۳۲۶	۱۳/۶۸۸۷	۱۷/۱۹۹۶	۱۹/۳۶۷۹	۸/۸۹۹۷	۹/۴۶۴۹	۱/۴۲۱۴	۹/۲۱۴ ۱	۵۲۱
اهرم مالی	۰/۵۷۷۵	۰/۸۹۰۹	۱/۱۷۱۲	۲/۶۹۳۲	۰/۳۸۶۰	۰/۰۹۶۴	۰/۱۶۲۷	۳/۱۲۵ ۰	۵۲۱
سودآوری	۰/۱۴۰۰۳	-۰/۰۴۱۴	۰/۶۳۱۳	۰/۴۰۰۲	-۰/۷۸۹۷	-۰/۱۰۴	۰/۱۱۴۸	۱/۲۸۸ ۰	۵۲۱

همان‌طور که ملاحظه می‌شود میانگین شدت تجدید ارائه در شرکت‌های سالم کمتر از میانگین آن در شرکت‌های بحران‌زده می‌باشد. همچنین میانگین سودآوری شرکت‌های سالم بزرگتر از بحران‌زده است و شرکت‌های بحران‌زده به‌طور میانگین اهرم مالی بزرگتری دارند.

نتایج آزمون فرضیه اول در جدول (۲) نشان داده شده است. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد با توجه به قضیه حد مرکزی و همچنین با توجه به کمی بودن داده‌ها می‌توان از آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین دو جامعه استفاده کرد. همان‌طور که در این جدول قابل مشاهده است اگرچه شدت تجدید ارائه در شرکت‌های بحران‌زده بیشتر از شرکت‌های سالم است اما از آنجایی که سطح معنی‌داری آزمون لوین بیشتر از ۰/۰۵ است لذا تفاوت معناداری بین شدت تجدید ارائه در شرکت‌های سالم و درمانده مالی وجود ندارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید نمی‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون فرضیه اول

آماره آزمون لوین	سطح معناداری آماره آزمون لوین	آماره آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری آماره آزمون t
۰/۶۵۷	۰/۴۱۸	۰/۴۱۴	۷۴۷	۰/۶۷۹
میانگین شدت تجدید ارائه در شرکت‌های سالم: ۰/۰۱۷۲۲		میانگین شدت تجدید ارائه در شرکت‌های بحران‌زده: ۰/۰۲۰۳۷		

یکی از پیش فرض‌های برازش مدل رگرسیون عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از آزمون VIF استفاده شده است. اگر آماره VIF برای متغیرها کمتر از ۱۰ باشد بین متغیرهای توضیحی مشکل هم‌خطی وجود نخواهد داشت. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، مشخص شد که آماره VIF برای تمام متغیرهای پژوهش در مدل‌ها کمتر از ۱۰ است، بنابراین مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون هم‌خطی (VIF) مدل آزمون فرضیه دوم

متغیر	خطر ورشکستگی	اندازه شرکت	اهرم مالی	سودآوری
آماره VIF	۷/۱۴۱۱	۱/۰۴۶۵۳	۳/۸۸۵۴	۳/۴۹۳۰۳

عدم وجود ناهمسانی واریانس و عدم خودهمبستگی جملات اخلال، از دیگر پیش‌فرض‌های رگرسیون هستند. برای آزمون برابری واریانس‌ها در داده‌های پانل، آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) استفاده می‌شود. فرض صفر این آزمون همسانی واریانس جملات اخلال الگوی مورد استفاده است. همچنین، برای آزمون عدم خودهمبستگی جملات خطا آزمون وولدریج به‌کار گرفته می‌شود. فرض صفر این آزمون عدم خودهمبستگی جملات اخلال الگوی مورد استفاده می‌باشد. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی جملات خطای مدل آزمون فرضیه

دوم

معنی داری	آماره	آزمون
۰/۰۰۰	۷/۲۵+۰/۰۶	همسانی واریانس
۰/۰۰۰	۱۸/۶۱۲	عدم وجود خودهمبستگی جملات خطا

با توجه به جدول (۴)، نتیجه آزمون خودهمبستگی، به دلیل کوچک‌تر بودن احتمال آماره آزمون از ۰/۰۵ نشان‌دهنده عدم پذیرش فرض صفر این آزمون مبنی بر وجود مشکل خودهمبستگی می‌باشد که در تخمین نهایی مدل‌ها باید این موضوع لحاظ شود. نتیجه آزمون ناهمسانی واریانس بیانگر عدم پذیرش فرض صفر این آزمون مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس می‌باشد، بنابراین لازم است تا در برآورد مدل نهایی، این

موضوع لحاظ گردد. برای رفع وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس، از روش FGLS برای تخمین نهایی مدل استفاده می‌شود.

پس از بررسی پیش فرض‌های رگرسیون، جهت برآورد معادله رگرسیون لازم است ابتدا روش مناسب جهت تخمین الگو مشخص شود. برای انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های ادغامی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. پس از آن که مدل مناسب برای تخمین پانل تشخیص داده شد، لازم است تا از میان روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، روش مناسب برای آزمون فرضیه‌ها مشخص شود؛ برای این منظور آزمون هاسمن به کار گرفته می‌شود. چنانچه مقدار احتمال به دست آمده F لیمر کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود داده‌های ادغامی رد و فرضیه وجود داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود و چنانچه احتمال آماره هاسمن کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می‌شود و بایستی مدل بر اساس اثرات ثابت تخمین زده شود. نتایج به دست آمده از این آزمون‌ها و نوع الگوی مناسب برای برازش فرضیه دوم پژوهش در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون انتخاب نوع الگو برای آزمون فرضیه دوم

هاسمن	چاو	نوع آزمون	
		آماره آزمون	الگوی مناسب برای برازش
۲۰/۲۵	۱/۳۱۲	اثرات ثابت	
۰/۰۰۰۴	۰/۰۲۸	معناداری	

یافته‌های آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول (۵) ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود مقدار آماره F و سطح معناداری آن، بیانگر معنادار بودن کلی الگوی رگرسیونی برازش شده برای آزمون این فرضیه است. مقدار آماره دوربین-واتسون نیز حاکی از نبود خطاهای خودهمبستگی در الگوهای برازش شده است. یافته‌های به دست آمده از تخمین الگوی رگرسیونی مربوط به فرضیه دوم حاکی از آن است که بین امتیاز "Z" آلتمن و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی معناداری وجود دارد. با در نظر گرفتن رابطه معکوس امتیاز "Z" آلتمن و خطر ورشکستگی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین خطر ورشکستگی و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های مورد بررسی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. از آن‌جا که شدت تجدید ارائه نشانه‌ای از پایین

بودن کیفیت سود گزارش شده است (خواجه‌وی و همکاران، ۱۳۹۴)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که خطر ورشکستگی یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت اطلاعات حسابداری است. همچنین سودآوری و شدت تجدید ارائه رابطه مثبت و معنی داری دارند. به عبارت دیگر در شرکتهایی که سودآوری بیشتری دارند شدت تجدید ارائه بیشتر است. از سایر متغیر کنترلی، اهرم مالی و اندازه شرکت رابطه معنی داری با شدت تجدید ارائه ندارد.

جدول (۶) نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	مقدار آماره t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	۰/۰۶۸۰۹	۰/۰۳۸۸۵۰	۱/۷۵۲۶	۰/۰۸۰۲
خطر ورشکستگی	-۰/۰۰۵۲۵۶	۰/۰۰۱۳۵۱	-۳/۸۹۰۸	۰/۰۰۰۱
اهرم مالی	۰/۰۰۳۴۴۴	۰/۰۱۶۰۰۰	۰/۲۱۵۲۴	۰/۸۲۹۷
سودآوری	۰/۱۸۷۰۲۵	۰/۰۲۲۶۶	۸/۲۵۲۱۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۰۳۵۵	۰/۰۰۲۶۵۵	-۱/۳۳۷۰۰۲	۰/۱۸۱۸
ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون ۲/۴۲۹	خطای استاندارد ۰/۰۵۸۵۰۲	آماره F ۲۱/۰۹۲۰۶	سطح معنی داری آماره F ۰/۰۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌جا که مدیران نمی‌خواهند از شرایط قراردادهای بدهی تخلف کنند، انتظار می‌رود شرکت‌هایی که مشکلات مالی دارند با احتمال بیشتری به دستکاری سود دست بزنند و سرانجام ناچار به تجدید ارائه در سال‌های آتی شوند. در ایران تجدید ارائه مستقل وجود ندارد، با وجود این بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌طور پیوسته در سال‌های آتی صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کنند. بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیران شرکت‌های بحران زده از تجدید ارائه صورت‌های مالی به عنوان سرپوشی برای رفتارهای متقلبانه استفاده کنند. پژوهش حاضر به‌منظور بررسی تجربی این پیش‌بینی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفت. از این‌رو، علاوه بر مقایسه شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی میان شرکت‌های بحران زده مالی و شرکت‌های سالم، رابطه بین خطر ورشکستگی و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی برای نمونه‌ای شامل ۱۰۷ شرکت

غیرمالی طی بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ بررسی شد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که میان شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های بحران‌زده و شرکت‌های سالم تفاوت معناداری وجود ندارد. با این وجود، بین خطر ورشکستگی و شدت تجدید ارائه رابطه مثبت وجود دارد. به بیان دیگر، خطر ورشکستگی یکی از عوامل مؤثر بر شدت تجدید ارائه است. به عبارت دیگر، شرکت‌های بحران‌زده و شرکت‌هایی که با خطر ورشکستگی روبرو هستند به احتمال بیشتری با خطر نقض قراردادهای بدهی مواجه هستند در نتیجه مدیران این شرکت‌ها با احتمال بیشتری اقدام به دستکاری سود و انجام اشتباهات عمدی می‌پردازند که در نهایت در سال‌های بعد مجبور به تجدید ارائه می‌شوند. از آن‌جا که تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان سرپوشی برای رفتارهای متقلبانه مدیریت مورد استفاده قرار گیرد، لذا احتمال دارد وضعیت مالی ضعیف سبب شود که مدیریت در سال یا سال‌های آتی صورت‌های مالی را تجدید ارائه کند. این یافته همراستا با مبانی نظری مطرح شده و یافته‌های پژوهش‌های چاریتو و همکاران (۲۰۰۷b)، عبدالله و همکاران (۲۰۱۰) و بیسونگو و لوکا (۲۰۱۵) می‌باشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند نشانه‌ای از بالا بودن خطر ورشکستگی شرکت‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار دهد. از این‌رو، به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود در ارزیابی مالی و ریسک شرکت‌ها به میزان شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی آن‌ها در سال‌های گذشته توجه داشته باشند. با توجه به وجود رابطه مثبت خطر ورشکستگی با شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی به حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود برای حفظ اعتبار حرفه حسابرسی، در حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های با خطر ورشکستگی تردید حرفه‌ای بیشتری داشته باشند. همچنین، به‌منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از تجدید ارائه توسط شرکت‌های با ریسک ورشکستگی بالا به سازمان‌های مقررات‌گذار پیشنهاد می‌شود مقررات سخت‌گیرانه‌تری در این حوزه مقرر کنند.

شایان ذکر است شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه‌اند، احتمالاً وقفه‌های معاملاتی بیشتری دارند، به این ترتیب به‌علت در دسترس نبودن اطلاعات آن‌ها در یک یا چند سال، ممکن است در این پژوهش بررسی نشده باشند. در الگوی استفاده شده برای اندازه‌گیری خطر ورشکستگی و تعیین شرکت‌های بحران‌زده، همزمان داده‌های

تأثیرپذیر از نرخ تورم و داده‌های مستقل از آن وجود دارد. بنابراین، بالا بودن نرخ تورم و نوسان‌های آن در طول دوره پژوهش، احتمالاً بر متغیرهای اندازه‌گیری شده توسط این الگو تأثیرگذار بوده است و ممکن است تعبیر و تفسیر نتایج و قابلیت تعمیم پژوهش حاضر را با محدودیت مواجه سازد. همچنین دقت الگوی اندازه‌گیری متغیر خطر ورشکستگی و اعتبار درونی آن یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش محسوب می‌شود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، پژوهش‌گران از الگوهای دیگری مانند الگوهای اولسن، زمسکی، فالمر و شیراتا جهت اندازه‌گیری متغیر ورشکستگی و تفکیک شرکت‌ها به سالم و بحران‌زده استفاده کنند. همچنین، از آنجا که پژوهش حاضر روی نمونه‌ای از شرکت‌های غیرمالی انجام شد، در تعمیم نتایج این پژوهش به کل شرکتهای بروسی باید احتیاط صورت گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر بحران مالی و خطر ورشکستگی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های مالی بررسی شود. افزون بر این، در این پژوهش فرضیه‌ها به تفکیک صنایع بررسی نشده است، لذا با توجه به تفاوت‌های احتمالی شرکت‌های صنایع مختلف پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر در نمونه‌های تفکیک‌شده بر اساس صنعت انجام شود.

منابع

- آقایی، محمدعلی؛ اعتمادی، حسین؛ انواری رستمی، علی اصغر؛ و زلقی، حسن. (۱۳۹۲). «تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر کیفیت ارقام تعهدی». *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲ (۳)، ۱۱۹-۱۴۷.
- ابراهیمی، سیدکاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ و ممشلی، رضا. (۱۳۹۶). «تأثیر بحران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی». *دانش حسابداری*، ۳ (۸)، ۱۴۱-۱۶۵.
- احمدپور، احمد؛ و شهبواری، معصومه. (۱۳۹۳). «بررسی نحوه اعمال اختیارات مدیران در مراحل مختلف درماندگی مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *دانش حسابداری*، ۵ (۱۹)، ۲۷-۵۰.
- اعتمادی، حسین؛ ساری، محمد علی و جوانی قلندری، موسی. (۱۳۹۷). «احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی با تاکید بر نقش حسابرس». *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳۷ (۱۰)، ۸۵-۱۰۶.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۵). «کیفیت ارقام تعهدی و انتخاب حسابرس». *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۰ (۳۷)، ۸۱-۹۸.
- تاتلی، رشید؛ و کردستانی، غلامرضا. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های کیفی سود و نوع مدیریت سود در شرکت‌های درمانده مالی و ورشکسته». *پژوهش حسابداری*، ۳ (۴)، ۷۹-۱۰۴.
- ثقفی، علی؛ امیری، مقصود؛ و کاظمی، حسین. (۱۳۹۰). «مطالعه تجربی پیرامون محتوای اطلاعاتی سود متعاقب تجدید ارائه صورت‌های مالی». *نظریه‌های نوین حسابداری*، ۱ (۱)، ۱-۲۲.
- جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ و خدایاریگانه، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر درماندگی مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران». *حسابداری مالی*، ۴ (۱۴)، ۱۲۹-۱۴۹.
- جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ خدایاریگانه، سعید؛ و پوررضا سلطان‌احمدی، اکبر. (۱۳۸۸). «بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران». *حسابداری مالی*، ۱ (۲)، ۶۰-۸۰.

حساس یگانه، یحیی؛ و تقی زاده، سمیه. (۱۳۹۲). «ماهیت تجدید ارائه صورت های مالی در ایران بر اساس طبقه بندی GAO». پژوهش حسابداری، ۱۱، ۱-۱۴.

حاجی ها، زهره؛ و سیری، امیر. (۱۳۸۸). «بررسی ارتباط بین هموارسازی آگهانه سود و ورشکستگی شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران». حسابداری مدیریت، ۲ (۲)، ۶۵-۸۱.

خواجهی، شکرالله؛ بایزدی، انور؛ و جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی کیفیت گزارش گری مالی شرکت های در مانده و غیر در مانده مالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهش های تجربی حسابداری، ۱ (۳)، ۵۱-۶۶.

خواجهی، شکرالله؛ قدیریان آرانی، محمدحسین؛ و فتاحی نافچی، حسن. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر ویژگی های هیأت مدیره بر تجدید ارائه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهش های حسابداری مالی، ۱ (۲۳)، ۵۵-۷۰.

خواجهی، شکرالله؛ و قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر کیفیت سود بر تجدید ارائه صورت های مالی». پیشرفت های حسابداری، ۷ (۲)، ۸۹-۵۴.

صفری گریلی، مهدی؛ و بالارستانی، عالیه. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۷)، ۹۳-۱۱۲.

کردستانی، غلامرضا؛ و تاتلی، رشید. (۱۳۹۳). «کیفیت سود و وضعیت مالی شرکت». مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۱، ۴-۱۱.

لطیفی، علی؛ جهانشاد، آزیتا. (۱۳۹۸). «تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورتهای مالی». تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۱ (۴۴)، ۹۰-۶۳.

مرادی، جواد؛ و قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). «بیش اعتمادی مدیریت و تجدید ارائه صورت های مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران». پیشرفت های حسابداری، ۹ (۱)، ۱۹۲-۱۶۹.

مشایخی، بیتا؛ و گنجی، حمیدرضا (۱۳۹۳). «تأثیر کیفیت سود بر پیش بینی ورشکستگی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی». پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶ (۲۲)، ۱۴۷-۱۷۳.

منصورفر، غلامرضا؛ غیور، فرزاد؛ و اسدی، مریم. (۱۳۹۵). «اثر تعدیل‌گر کیفیت سود در پیش بینی در ماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران». راهبرد مدیریت مالی، ۴ (۴)، ۲۵-۴۴.

مهرانی، ساسان؛ اسدی، قربان؛ و گنجی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). «رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام». مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱ (۴۲)، ۱۱۵-۱۳۷.

مهرانی، ساسان؛ کامیابی، یحیی؛ و غیور، فرزاد. (۱۳۹۶). «بررسی تاثیر شاخص‌های کیفیت سود بر قدرت مدل‌های پیش‌بینی در ماندگی مالی». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱ (۲۴)، ۱۰۳-۱۲۶.

نیکبخت، محمدرضا؛ و رفیعی، افسانه. (۱۳۹۱). «تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران». دانش حسابداری، ۹، ۱۶۷-۱۹۴.

ناظمی‌اردکانی، مهدی؛ عارف‌منش، زهره؛ و جعفری‌باوریانی، زهرا (۱۳۹۵). «بررسی شدت تجدید ارائه سود گزارش شده بر ارزش شرکت». پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۸، ۷۳-۹۲.

ولی‌پور، هاشم؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله؛ و جوانمرد، علی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت‌های دارای بحران مالی». دانش حسابداری، ۴ (۱۳)، ۷۵-۱۰۳.

Abbott, L.J., Parker, S., & Peters, G.F. (2004). "Audit Committee Characteristics and Restatements". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(1), 69-87.

Abdullah, S.N., Mohamad-Yusof, N.Z., & Mohamad-Nor, M. (2010). "Financial restatements and corporate governance among Malaysian listed companies". *Managerial Auditing Journal*, 25(6), 526-552.

Aier, J.K., Comprix, J., Gunlock, M.T. & Lee, D. (2005). "The financial expertise of CFOs and accounting restatements". *Accounting Horizons*, 19, 123-36.

Al-Attar, A., Hussain, S., & Zuo, L.Y. (2008). "Earnings quality, bankruptcy risk and future cash flows". *Accounting and Business Research*, 38(1), 5-20.

Altman, E. (1968). "Financial ratio, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy". *Journal of Finance*, 23, 589-610.

Altman, E., & Hotchkiss, E. (2006). "Corporate Financial Distress and Bankruptcy: Predict and Avoid Bankruptcy, Analyze and Invest

- in Distressed Debt*", Hoboken, New Jersey, U.S.A. John Wiley & Sons, Inc.
- Altman, E. (2005). "An emerging market credit scoring system for corporate bonds". *Emerging Markets Review*, 6(4), 311-323.
- Andrade, G., & Kaplan, S. (1998). "How costly is financial (not economic) distress? Evidence from highly leveraged transactions that became distressed". *Journal of Finance*, 53, 1443-1493.
- Avramov, D., Chordia, T., Jostova, G., & Philipov, A. (2013). "Anomalies and financial distress". *Journal of Financial Economics*, 108, 139-159.
- [Bouteska, A.](#) (2019). "The effect of investor sentiment on market reactions to financial earnings restatements: Lessons from the United States". *Journal of Behavioral and Experimental Finance* 24(4).
- Bhagat, S., Moyen, N., & Suh, I. (2005). "Investment and internal funds of distressed firm". *Journal of Corporate Finance*, 11 (3). 449-472
- Bisogno, M., & DeLuca, R. (2015). "Financial distress and earnings manipulation: Evidence from Italian SMEs". *Journal of Accounting and Finance*, 4(1), 42-51.
- Carcello, J., & Palmrose, Z. (1994). "Auditor litigation and modified reporting on bankrupt clients". *Journal of Accounting Research*, 32, 1-30.
- Charitou, A., Lambertides, N., & Trigeorgis, L. (2011). "Distress risk, growth and earnings quality". *Abacus*, 47(2), 158-181.
- Charitou, A., Lambertides, N., & Trigeorgis, L. (2007a). "Earnings behavior of financially distressed firms: The role of institutional ownership". *Abacus*, 43(3), 271-296.
- Charitou, A., Lambertides, N., & Trigeorgis, L. (2007b). "Managerial discretion in distressed firms". *The British Accounting Review*, 39, 323-346.
- DeAngelo, H., DeAngelo L., & Skinner, D.J. (1994). "Accounting choice in troubled companies". *Journal of Accounting and Economics*, 17 (1-2), 113-143.
- Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences". *Journal of accounting and economics*, 50(2-3), 344-401.
- Desai, H., Hogan, C.E., & Wilkins, M.S. (2006). "The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover". *The Accounting Review*, 81(1), 83-112.
- Dichev H. (1998). "Is the risk of bankruptcy a systematic risk?". *The Journal of Finance*, 3, 1131-1147.
- Flanagan, D.J., Muse, L. A., & O'Shaughnessy, K.C. (2008). "An

- overview of accounting restatement activity in the United States”. *International Journal of Commerce and Management*, 18(4), 363-381.
- García Lara, J.M., Osma, B.G., & Neophytou, E. (2009). “Earnings quality in ex-post failed firms”. *Accounting and Business Research*, 39(2), 119-138.
- Gordon, M. J. (1971). “Towards a theory of financial distress”. *The Journal of Finance*, 26 (2), 347-356.
- Gul, A. F., Khedmati, M, Lim, K, E & Navissi, F. (2018). "Managerial Ability, Financial Distress, and Audit Fees". *Accounting horizons*, 32(1). 29-51
- Huang, C., Yang, Q., Du, M., & Yang, D. (2017). “Financial distress prediction using SVM ensemble based on earnings manipulation and fuzzy integral”. *Intelligent Data Analysis*, 21(3), 617-636.
- Ke, R. (2012). Predicting financial distress: The role of earnings quality. Ph.D. Dissertation, University of California, Los Angeles.
- Lev, B. (2003). “Corporate earnings: Facts and fiction”. *Journal of Economic Perspectives*, 17(2), 27-50.
- Li, F., Abeysekera, I., & Ma, S. (2011). “Earnings management and the effect of earnings quality in relation to stress level and bankruptcy level of Chinese listed firms”. *Corporate Ownership and Control*, 9(1), 366-391.
- Li, F., Abeysekera, I. & Ma, S. (2014). “The effect of financial status on earnings quality of Chinese-listed firms”. *Journal of Asia-Pacific Business*, 15 (1), 4-26
- Lin, J.W., Hwang, M. I., & Li, J.F. (2004). “A neural fuzzy system approach to assessing the risk of earnings restatements”. *Issues in Information Systems*, 5(1), 201-207.
- Moses, O.D. (1987). “Income smoothing and incentives: Empirical tests using accounting changes”. *The Accounting Review*, 62(2), 358-377.
- Ota, K. (2011). “Analysts’ awareness of systematic bias in management earnings forecasts”. *Applied Financial Economics*, 21(18), 1317-1330.
- Palmrose, Z.V., & Scholz, S. (2004). “The circumstances and legal consequences of non-GAAP reporting: Evidence from restatements”. *Contemporary Accounting Research*, 21(1), 139-180.
- Platt, H.D., & Platt, M.B. (2006). “Understanding differences between financial distress and bankruptcy”. *Review of Applied Economics*, 2(2), 141-157.
- Pryshchepa, O., Aretz, K., & Banerjee, S. (2013). “Can investors restrict managerial behavior in distressed firms?”. *Journal of Corporate Finance*, 23, 222-239.

- Rose-Green, N., & Lovata, L. (2013). "The relationship between firms' characteristics in the periods prior to bankruptcy filing and bankruptcy outcome". *Accounting and Finance Research*, 2(1), 97-109.
- Rosner, R.L. (2003). "Earnings manipulation in failing firms". *Contemporary Accounting Research*, 20(2), 361-408.
- Schipper, K., & L. Vincent (2003). "Earnings quality". *Accounting Horizons*, 17, 97-111.
- Scott, W.R. (2003). *Financial accounting theory, 3th Ed, Toronto, Canada*: Prentice Hall.
- Smith, M., Kestel, J., & Robinson, P. (2001). "Economics recession, corporate distress and income increasing accounting policy choice". *Accounting Forum*, 25(4), 335-352.
- Zaretzky, K., & Zumwalt, J.K. (2007). "Relation between distress risk, book-to-market ratio and return premium". *Managerial Finance*, 33(10), 788-797.